

فرزندآوری و افزایش جمعیت از دیدگاه قرآن کریم و اهل بیت (علیهم السلام)

حجه الاسلام حسن دهقان دهجمالی^۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۷/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۲۰

چکیده

با بررسی آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) درمی‌یابیم رویکرد مکتب اسلام نسبت به باروری همواره بر افزایش جمعیت بوده است؛ تا آنجا که در این خصوص احکام و فرامینی صادر شده است. در این مقاله آیات و روایاتی که دال بر مطلوبیت افزایش نسل است و مسلمانان را به فرزندآوری و تکثیر اولاد تشویق می‌کنند مؤید نظریه فرزندآوری و افزایش جمعیت است. هدف این مقاله تبیین دیدگاه مکتب اسلام در مورد فرزندآوری و افزایش جمعیت است که به روش توصیفی تحلیلی، مورد بررسی قرار گرفته است، نوع تحقیق کاربردی بوده و جامعه آماری آن آیات قرآن و روایات مرتبط با جمعیت است که به روش تحلیل محتوا انجام شده است. بر این اساس ابتدا آیات و روایات مربوط به موضوع افزایش جمعیت از قرآن کریم و منابع روایی استخراج و دسته‌بندی و بیان شده است. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که اولاً نظر قرآن کریم و اهل بیت پیامبر، نسبت به فرزندآوری و تکثیر اولاد مثبت است؛ ثانیاً زندگی با فرزندان صالح فواید و آثار مثبتی در پی دارد که از مهم‌ترین آن‌ها کمک و دستگیری والدین، ادامه دهنده راه والدین، پاداش خداوند به بندگان خاص خود و غیره می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: جمعیت، فرزندآوری، قرآن، اهل بیت

مقدمه

یکی از نکات مهم و راهبردی، در آموزه‌های مکتب اسلام سفارش به زاد و ولد و ازدیاد پیروان است. مسلم است که مذهب در ازدیاد جمعیت یا کنترل آن تأثیر بسزایی دارد. «رابطه جدا نشدنی بین مذهب و باروری تحت تأثیر عوامل مختلف و در دوره‌های مختلف به اثبات رسیده است» (شیخی، ۱۳۷۹: ۱۷۴).

با توجه به اینکه موضوع افزایش جمعیت و فرزندآوری در سبک زندگی دینی به الگویی شایسته نیاز دارد، بررسی دین اسلام به عنوان شریعتی که از تعالیم و برنامه مفصل برخوردار است، در این رابطه حائز اهمیت فراوان می‌باشد.

عدم فرزندآوری و تبعات نامطلوب آن، به عنوان یکی از نگرانی‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) از نقاط ضعف و غفلت اجتماع و خانواده‌ها است. متأسفانه دغدغه‌ای که طی چند سال اخیر به هشدار تبدیل شده است و از سوی مقامات فرهنگی و اجتماعی اقداماتی را شاهد نبوده‌ایم توجه نکردن به کاهش جمعیت و پیری جمعیت کشور در سال‌های نه چندان دور است. زن و شوهر با سرگرم کردن خود به اشتغال و بهانه‌تراشی‌هایی که ریشه در افکار تزریق شده غرب به فرهنگ اسلامی ایرانی دارد سعی دارند از مسئولیت فرزندداری و تربیت فرزندان فرار کنند. حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه)، این مهم را در ایام آغازین انقلاب متذکر شده اند، معظم‌له در این زمینه می‌فرمایند: "مملکت ایران ۳۵ میلیون می‌گویند جمعیت دارد، وسعتش آنقدر است که برای ۱۵۰ میلیون تا ۲۰۰ میلیون جمعیت کافی است، یعنی اگر ۲۰۰ میلیون جمعیت داشته باشد، در ایران به رفاه زندگی می‌کنند" (صحیفه امام، ۱۳۷۵: ج ۷، ۳۹۳).

مسئله اصلی و دغدغه مهم پژوهش حاضر این است که:

۱- چگونه می‌توان از آموزه‌های دینی به عنوان مشوق‌های فرزندآوری بهره برد؟

۲- رویکرد دین مبین اسلام به موضوع جمعیت چیست؟

هدف اصلی تحقیق عبارتست از تبیین نحوه افزایش جمعیت و فرزندآوری از دیدگاه قرآن کریم و اهل بیت (علیهم السلام). اهداف فرعی آن عبارت‌اند از: الف- تبیین نحوه افزایش جمعیت و فرزندآوری از دیدگاه قرآن کریم؟؛ ب- تبیین نحوه‌ی افزایش جمعیت و

فرزندآوری ازدیدگاه اهل بیت (علیهم السلام). سوالات اصلی و فرعی متناظر با اهداف اصلی و فرعی است و این مقاله فاقد فرضیه می‌باشد.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، در دیداری که با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی داشتند، درخصوص رویکرد و عملکرد این شورا تاکیدات ویژه ای نموده و راهنمایی‌های لازم برای ادامه مسیر این شورا را با توجه به وظیفه خطیر آن گوشزد و یکی از مهمترین دغدغه‌های نظام را چنین بیان فرمودند:

"آنچه مهم است این است که کشور ما با ظرفیت طبیعی و با ویژگی جغرافیای سیاسی خود احتیاج دارد به یک جمعیت بیشتر؛ علاوه بر این - همان طور که قبلاً هم گفته‌ایم - مسئله نمای جوان برای کشور یک مسئله اساسی و مهم و تعیین کننده است. آن طوری که اهل علم و اهل تحقیق بررسی کرده اند و جوانب قضیه را ملاحظه کرده اند و آمارها را مورد مذاقه قرار داده اند، ما اگر چنانچه با این شیوه ای که امروز داریم حرکت می‌کنیم پیش برویم، در آینده نه چندان دور، یک کشور پیری خواهیم بود که علاج این بیماری پیری هم در حقیقت در دسترس نیست؛ حالا نه [اینکه] در دسترس ما نیست، [بلکه] در دسترس هیچ کس نیست؛ یعنی امروز کشورهایی که در دنیا دچار پیری شده اند و قدرت زاد و ولد خودشان را از دست داده اند، به دشواری می‌توان گفت که راه علاجی برای حل این مشکل دارند. ما هم طبعاً با همین مشکل مواجه خواهیم شد؛ و نباید بگذاریم به اینجا برسند" (امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۸).

معظم‌له در بیانی دیگر ضمن تأکید بر درستی سیاست‌های تحدید نسل در برهه‌ای از زمان، ادامه آن را از دهه ۷۰ به بعد نادرست دانسته‌اند:

"یکی از خطاهایی که خود ما کردیم - بنده خودم هم در این خطا سهیمم - این مسأله تحدید نسل از اواسط دهه ۷۰ به این طرف باید متوقف می‌شد. البته اولی که سیاست تحدید نسل اتخاذ شد، خوب بود، لازم بود، لیکن از اواسط دهه ۷۰ باید متوقف می‌شد. این را متوقف نکردیم، این اشتباه بود. عرض کردم مسؤولین کشور در این اشتباه سهیم‌اند، خود بنده حقیر هم در این اشتباه سهیمم. این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشد. نسل جوان را باید حفظ کرد" (امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، بیانات در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۱۹).

بر این اساس، یکی از موضوعات مهمی که امروزه در جامعه مطرح می‌شود و مقام معظم رهبری هم تأکید فراوان بر این موضوع داشتند ازدیاد نسل است؛ در این سال‌ها برنامه‌ریزان در امر کنترل جمعیت دچار نوعی افراط شدند به گونه‌ای که اکنون در چند استان کشور شاهد نرخ رشد جمعیت نزدیک صفر هستیم، بدیهی است ادامه این روند می‌تواند کشور را از لحاظ امنیتی، اجتماعی و تربیتی با آسیب جدی روبرو کند.

روش‌شناسی

این تحقیق به دنبال کشف آیات قرآن و احادیث و روایات اهل بیت در مورد افزایش جمعیت و فرزندآوری است که به روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد کیفی و تحلیل محتوا انجام گردیده است. نتایج پژوهش کاربردی و تصمیم‌گرا می‌باشد، لذا نوع پژوهش توسعه-ای-کاربردی است. قلمرو تحقیق از نظر زمانی، از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۴۰۰ خورشیدی می‌باشد. از نظر مکانی، یک مسئله عام است و شامل جغرافیای ج.ا.ایران می‌باشد. اطلاعات این تحقیق از روش بررسی اسناد و مدارک (آیات قرآن و روایات و احادیث) گردآوری شده است.

پیشینه‌شناسی

با مراجعه به پژوهش‌شکده‌ها و مراکز مطالعاتی مشخص شد که همایش جمعیت و اقتدار ملی در مهرماه ۱۳۹۶ در دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاعی ملی و تحقیقات راهبردی برگزار گردیده و ارائه‌دهندگان مقاله‌های برتر، متفق‌القول بر افزایش جمعیت تأکید داشتند و معتقد بودند که نرخ جایگزینی و نرخ باروری در کشور پایین است. نرخ مناسب جایگزین ۲/۱ می‌باشد. در حال حاضر نرخ باروری ۱/۷ است (همایش جمعیت و اقتدار ملی، ۱۳۹۶/۷/۱۶). در این همایش راهکارهای افزایش جمعیت از منظر علمی بیان شده است. محقق در این مقاله قصد دارد آیات قرآن و دیدگاه اهل بیت را در مورد افزایش جمعیت بیان نماید.

ادبیات تحقیق

نظریه فرزندآوری و افزایش جمعیت

جمعیت و ابعاد آن، نقطه مرکزی هر نظام اجتماعی محسوب می‌شود. تحولات جمعیتی

تقریباً تمام جنبه‌های زندگی انسان و جهان پیرامون وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اثرات متعددی بر خرده نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی وارد می‌کند و منشأ تحولات چشمگیری در این حوزه‌ها می‌شود. حامیان افزایش جمعیت معتقدند: افزایش سریع جمعیت نه تنها مشکلات اقتصادی و رفتاری ایجاد نمی‌کند، بلکه ازدیاد جمعیت در نیرومندی، قدرت نظامی و اقتصادی نقش مهمی ایفا می‌نماید. برخی از اقتصاددانان، افزایش و تراکم جمعیت را علت اساسی فنون تولیدی و در نتیجه، رشد و پیشرفت اقتصادی می‌دانند (کلانتری و صادقی ده چشمه، ۱۳۸۵: ۱۵۳).

رشد جمعیت حاصل تفاوت باروری و مرگ و میر به اضافه خالص مهاجرت جمعیت بین المللی می‌باشد و از میان عوامل مذکور باروری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این رو، سیاست‌های جمعیتی در دنیا به طور عمده حول محور کاهش یا افزایش باروری اعمال می‌شود (عباسی شوازی و حسینی چاوشی، ۱۳۹۰: ۹).

باروری و فرزندآوری

باروری یکی از وقایع حیاتی است و از آنجا که در افزایش یا کاهش جمعیت به طور مستقیم تأثیرگذار است به عنوان مهم‌ترین عامل حرکت زمانی جمعیت شناخته می‌شود. سابقه‌ه زاد و ولد انسانی به پیدایش اولین انسان‌ها برمی‌گردد و از این رو سابقه‌ای طولانی به قدمت خود انسان دارد. این مفهوم در قرآن به وفور مشاهده می‌شود (سلیمانی فر، ۱۳۹۴). یکی از دلایل ضرورت باروری و فرزندآوری حفظ نسل و بقای انسان است. تمام موجودات براساس غریزه طبیعی برای حفظ نسل خود به تناسل مشغول هستند. انسان نیز علاوه بر غریزه بر مبنای فطرت و عقل به بقای نوع خود توجه دارد (اجلال، نگاه اسلام به کنترل نسل، سایت تبیان).

در سبک زندگی دینی این ضرورت از طریق ازدواج و فرزندآوری پاسخ داده می‌شود. بنابراین هر اقدامی که از تناسل جلوگیری کند مخالف فطرت انسان است. بنابر این تعریف و با توجه به وضعیت بیولوژیک زن و مرد هدفی جز تولید نسل و باقی گزاردن نسل منظور نبوده است و باقی احکام مربوط به روابط زن و مرد از قبیل احکام رعایت عفت، زناشویی، اختصاص داشتن زوجه به زوج، احکام طلاق، عدّه، اولاد، ارث و... هم بر اساس همین

واقعیت وضع شده است (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۷) که در این قسمت به اهمیت آن و برخی احکام آن از دیدگاه دین اسلام اشاره می‌شود.

باروری، فرزندآوری و ازدیاد نسل در قرآن:

در قرآن کریم شکل‌گیری نطفه، باروری و زایمان انسان‌ها از نشانه‌های قدرت خداوند ذکر شده است (سوره های طارق/۶-۴ و قیامت / ۴۰-۳۷) که به خواست و اراده خداوند محقق می‌شود(سوره‌های واقعه / ۵۸-۵۷؛ فاطر / ۱۱ و غافر/۶۷). هرچند جوانی و تندرستی از عوامل مهم باروری قلمداد می‌شود، اما براساس آیات قرآن کریم چنانچه این امر به فرمان خدا باشد، در سالخوردگی نیز می‌تواند محقق گردد(سوره آل عمران/۴۰-۳۹). همچنین آنچه واجد اهمیت شناخته می‌شود، افزایش تعداد جمعیت نیکوکاران و صالحان است (کیانی، باروری در قرآن، شماره ۷۳ و ۱۲۳، ۷۴)؛ چنانکه بر اساس آیات قرآن افزایش تعداد جمعیت نمی‌تواند عاملی برای فقر محسوب گردد و دلیلی برای جلوگیری از باروری باشد(سوره های انعام / ۱۵۱ و اسراء / ۳۱).

قرآن کریم به صراحت درباره تکثیر نسل سخن نگفته، ولی بعضی از آیات به ازدواج و آمیزش جنسی اشاره کرده‌اند که لازمه‌ی آن ایجاد نسل و فرزند است. مثلاً آیه: «وَأَنْكَحُوا الْأَيَّامِي مَنْكُم (سوره نور / ۳۲)» یعنی مردان بی‌زن و زنان بی‌شوهر را به نکاح یکدیگر درآورید، گر چه در این آیه با صراحت بیان نکرده که ثمره این ازدواج بچه‌دار شدن است اما در آیه «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنْي شَيْئُمْ وَ قَدْ مَوَّأ لَأَنْفُسِكُمْ» (سوره بقره/ ۲۲۳)، برخی مفسران طبق این آیه غرض از ازدواج را بطور عمدت تولید مثل و زاد و ولد، دانسته‌اند (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۱، ۳۵۴) همچنان که به نظر برخی مفسران مقصود از «قَدْ مَوَّأ لَأَنْفُسِكُمْ» طلب فرزند است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲، ۵۶۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۱؛ قرشی، ۱۳۷۷: ج ۱، ۴۱۲)؛ در جای دیگر خطاب مستقیم به مردها دارد که: «فَانكحُوا مَا طاب لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ (سوره نساء / ۳)» با زنان پاک ازدواج کنید که باز هم لازمه این ازدواج بچه‌دار شدن و ایجاد نسل است.

در ادامه به منظور بررسی ازدیاد نسل، به مطالعه آیات قرآن کریم پرداخته شده با توجه به اینکه در قرآن کریم الفاظی از قبیل اولاد، ذریه، ولد، غلام و... فراوان یافت می‌شود، به

نظر می‌رسد تنها آیه ایی که به طور مستقیم به زیادی نسل اشاره کرده همان آیه ۲۲۳ سوره بقره باشد و آیه‌ای که به صراحت تقطیع نسل را منع و سرزنش کرده، آیه ۲۹ سوره عنکبوت است که می‌فرماید: "أَإِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَ تَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَ تَأْتُونَ فِي نَادِيَكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ".

هم چنین در ادامه نمونه‌هایی از آیات در خصوص فواید فرزند داشتن مطرح می‌شود که به طور ضمنی بر ازدیاد نسل دلالت می‌کند (سلیمانی‌فر، ۱۳۹۴).

فطری بودن تمایل به فرزندآوری

از جمله موارد اثبات مطلوبیت فرزند و فطری بودن آن، این نکته است که انسان‌هایی که از داشتن فرزند محروم هستند، درصدد برمی‌آیند که برای خود فرزندخوانده ای فراهم کنند. قرآن در این زمینه بیانی دارد که به آن اشاره می‌شود: کسی که یوسف (علیه السلام) را در مصر خرید، به همسرش سفارش او را کرد و گفت: « وَأُكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا » (سوره یوسف / ۲۱) از این جمله چنین استفاده می‌شود که عزیز مصر فرزندی نداشت و در اشتیاق فرزند به سر می‌برد، هنگامی که چشمش به این کودک زیبا و برومند افتاد، دل به وی بست که جای فرزند او باشد.

منع قرآن از قطع بقای نسل

اصولا طبیعت زن و مرد آن چنان آفریده شده است که آرامش و اشباع سالم خود را در علاقه به جنس مخالف (از طریق ازدواج سالم) می‌بینند، و هر گونه تمایلات جنسی در غیر این صورت، انحراف از طبع سالم انسانی و یک نوع بیماری روانی است که اگر به آن ادامه داده شود روز به روز تشدید می‌گردد و نتیجه‌اش بی‌میلی به "جنس مخالف" و اشباع ناسالم از طریق "جنس موافق" است. (مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ج ۱۶، ۲۵۷) در آیه ۲۹ سوره عنکبوت حضرت لوط قومش را بر قطع راه بقای نسل انسان، توسط آنها سرزنش می‌کند: أَأَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَ تَقْطَعُونَ السَّبِيلَ ، آیا شما به طرف مردان می‌آئید و راه تناسل را قطع می‌کنید؟!

مراد از اتیان رجال، قطع سبیل است و مراد از قطع سبیل، اهمال گذاشتن طریق تناسل، و لغو کردن آن است، چون راه تناسل عبارت است از نزدیکی و جماع با زنان، و قوم لوط

این راه را قطع نمود، و آن را لغو کردند، پس تعبیر به قطع سیل کنایه است از اعراض از نسوان و ترک مقاربت با آنان (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ج ۱۲۳، ۱۶) و قطع نسل آینده است؛ زیرا قوم لوط با با مردان ازدواج نموده و از زنها فاصله می گرفتند و به این سبب نسل آینده قطع خواهد شد (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۸، ۴۴) هم چنین در آیه ۲۰۵ سوره بقره یکی از کارهایی که منافقان بعد از به حکومت رسیدن انجام می دهند و مصداق همان فساد در زمین است از بین بردن نسل و اهلاک آن است چنانکه مفسران در تفسیر این آیه « وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ » گفته اند حرث " به معنی زراعت، و " نسل " به معنی اولاد است، و بر اولاد انسان و غیر انسان اطلاق می شود، بنا بر این هلاک کردن حرث و نسل به معنی از میان بردن هر گونه موجود زنده است، اعم از موجودات زنده نباتی، یا حیوانی و انسانی. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۷۴) در معنی حرث و نسل، تفسیرهای دیگری نیز ذکر شده از جمله اینکه: منظور از " حرث " زنانند، به قرینه آیه شریفه (نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ) و منظور از " نسل " فرزندان. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۵، ص ۳۴؛ مراغی، بی تا: ج ۲، ۱۱) یعنی طاغوت‌ها، نظام خانواده و تربیت فرزندان را نابود می کنند. قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۱، ۳۲۴) بنابراین هر اقدامی که از تناسل جلوگیری کند، مخالف فطرت و طبیعت آدمی است. طبق آیات شریف قرآن، خلقت و بقای نوع انسانی، بر اساس زوجیت شرعی تحقق می یابد.

از دیاد نسل، هدف اصلی ازدواج

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان یکی از فواید و حکمت‌های ازدواج را از دیدگاه قرآن کریم، بقای نسل انسان و حفظ حیات نوع بشری داند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۵، ۱۵) در مجموع بر اساس نگرش دینی یکی از فوائد ازدواج، از دیاد نسل و تداوم آن است؛ یکی از ایاتی که مفسران در آن غرض از ازدواج را بطور عمده تولید مثل و زاد و ولد، دانسته اند (قرائتی ۱۳۸۳: ج ۱، ۳۵۴) آیه ۲۲۳ بقره است که میفرماید: « نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنْتُمْ أَنْتُمْ وَ قَدِّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ » خداوند از زنان به عنوان کشتزار و از مردان به عنوان کسی که بذر در اختیار دارد و آن را می کارد، یاد کرده است که ثمره آن فرزند خواهد بود که جمله «وقدموا لانفسکم» بیانگر آن است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲، ۵۶۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷:

ج ۲، ۲۱؛ قرشی، ۱۳۷۷: ج ۱، ۴۱۲).

آیه مذکور در مقام بیان مسئله زناشویی و تولید نسل برای بقای نوع انسان، مرد را مانند کشاورز بذرافشان و زن را چون کشتزاری می‌داند که نطفه مرد در رحم او رشد می‌کند و زن با تولید فرزند مایه بقای نسل آدمی است.

برای تأکید بر حفظ نسل که هدف اصیل عمل زناشویی است، واژه «حرث» در آیه تکرار شده است. خداوند برای ترغیب به هدفدار کردن آمیزش جنسی می‌فرماید که از رهگذر مباشرت با زنان فرزندان شایسته‌ای برای آخرت خود بفرستید، پس تولید مثل و بقای نسل مهم است؛ ولی فرزند نیز باید سودمند و صالح باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ۱۸۷).

قرآن کریم هنگام بیان رابطه زناشویی بین زن و مرد، زن را کشتزار می‌نامد؛ نه فقط محلی برای ارضای غریزه جنسی: (نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ). براین اساس، وجود زن برای تولید نسل و حفظ و بقای نوع انسان است و کردار شوهر با زن، در مقام تولید نسل باید مانند رفتار کشاورز با کشتزارش، برای تولید مثل باشد، پس آیه مورد بحث، در مقام بیان سهم زن در تولید و حفظ نسل است و تکرار «حرث» به جهت اهمیت مسئله نسل و تأکید بر آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ۲۰۰).

این آیه در ادامه بیان احکام نکاح است و محل آمیزش جنسی را بیان می‌کند که خدا در همبستر شدن با زنان بدان امر کرده است و آن، کشتزار زنان یعنی رحم است، چون هدف اصیل از آمیزش، تولید مثل است و تنها رحم، کشتزار بارور کردن نطفه مرد و بقای نوع انسان است.

خدای حکیم در (فَأْتُوا حَرْثَكُمْ) به هدف اصیل عمل زناشویی یعنی حفظ نوع انسان فرمان داده و با تکرار کلمه «حرث» و نیاوردن ضمیر، بر اهمیت سهم زن در تولید و حفظ نسل تأکید کرده است. همچنین به دلیل (فَأْتُوا حَرْثَكُمْ) مراد از (أَنْتِ) در (أَنْتِ سِتْنَمُ) باید مباشرت با زنان از محل پیدایش نسل و کشتزار باشد و (وَقَدْ مَوَّالَ أَنْفُسِكُمْ) که کنایه از تولید فرزند صالح است، مؤید لزوم مباشرت از همان محل است. (جوادی آملی، همان) از آن جا که هدف از خلقت انسان، عبادت باری تعالی است: «و ما خلقت الجنَّ والانسَّ الا ليعبدون»

(سوره ذاریات، ۵۶)، بقای نسل صالح منجر به ابقای ذکر خداوند و یاد پروردگار می‌شود. «و نکتب ماقدّموا وآثارهم» (سوره یس، ۱۲) و ثواب و خیر پدر و مادر هم به فرزندان صالح و هم به آباء آن‌ها می‌رسد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ۲۱)

از دیاد نسل، موهبتی الهی

قرآن زاد و ولد موجودات را لطف و مرحمت خدا و نشانه‌ای از قدرت لایتنه‌ای او می‌خواند. این موضوعی است که در آیات بدان اشاره شده است.

از نظر قرآن، فرزند نعمت و موهبت الهی برای والدین است (سوره‌های انعام / ۸۴ تا ۸۷؛ نحل / ۷۲ و انبیاء / ۶۹ و ۷۲) و بر هر انسانی است که شاکر این نعمت باشد. (سوره نحل / ۷۲) پس از نظر قرآن و اسلام، فرزند داشتن یک ارزش است و این ارزش هنگامی واقعی است که در مسیر تعالی انسان و انسانیت باشد و خود و فرزند را به سوی خدایی شدن و دست‌یابی به خلافت الهی انسان رهنمون سازد.

فرزند، یاری رساننده به پدر و مادر

از جمله فواید داشتن فرزند، دستیاری والدین است که در قرآن کریم در آیات مختلف به آن اشاره شده است و آن را بیان داشته است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: وَ أُمَدِّدْنَاكُمْ بَأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ (سوره‌ی اسراء / ۶) و شما را به وسیله داراییها و فرزندان کمک خواهیم کرد. یا در جای دیگر می‌فرماید: أُمَدِّدْكُمْ بِأَنْعَامٍ وَ بَنِينَ (سوره شعراء / ۱۳۳) با چهارپایان و فرزندان یاریتان کرده است. در سوره نوح می‌فرماید: (وَ يُمَدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ) (سوره نوح / ۱۲) و به وسیله اموال و فرزندان یاریتان می‌کند در این آیات خداوند متعال خطاب به گروه‌های مختلف انسانی، داشتن فرزند را به عنوان کمک و دستیار والدین معرفی نموده است.

داشتن فرزند برای والدین همانند داشتن نیروی انسانی است که می‌تواند در کارها و مسئولیتها پدر و مادر را کمک و یاری رساند. در آیه (وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ حَفَدَةً) (سوره نحل / ۷۲) خداوند برای شما از همسرانتان فرزندان و یاورانی قرار داد که به خدمت آنان در حوائجتان استعانت بکنید و با دست آنان مکاره و ناملایمات را از خود دور سازید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ۲۹).

داشتن فرزند صالح، آرزوی پیامبران

فرزند نعمتی الهی است؛ همچنان که نیازی فطری نیز هست لذا بشر همواره آرزوی فرزند داشتن و بقای نسل داشته است. دین مبین اسلام این امر فطری را مورد عنایت ویژه قرار داده است. قرآن نیز به این مسئله اشاره کرده و از این خواسته فطری حمایت می کند. از این رو یکی از دعاهای افراد حتی پیامبران، داشتن فرزند است؛ چنانکه حضرت ابراهیم (علیه السلام) در سن پیری (سوره های حجر/۵۴-۵۱ و صافات/۸۳ و ۱۰۱) و نیز حضرت زکریا (علیه السلام) در کهن سالی (سوره آل عمران/۳۹-۳۸؛ مریم/۲ تا ۷) خواهان فرزند شده اند و خداوند دعاهای ایشان را مستجاب نموده و به ایشان فرزندان عنایت نموده است (همان).

نکته مهمی که در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است، توجه به زاد و ولد انسان‌های شایسته و مؤمن است. به عبارت دیگر آن چه که اهمیت دارد، افزایش تعداد جمعیت نیکوکاران و صالحان است. در سوره اعراف، به خلقت اولین انسان و اولین بارداری اشاره شده است. بر اساس آیه ۱۵ این سوره، حضرت آدم و حوا از خداوند متعال خواهان فرزندی صالح و نیکوکار هستند:

"هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمَلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ"؛ او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید. سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت، که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می داد و چون سنگین شد، هر دو از خداوند و پروردگار خود خواستند، اگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران خواهیم بود!

قرآن کریم هم چنین در مورد حضرت زکریا (علیه السلام) می فرماید: "وَ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ" (سوره انبیاء/۸۹)، و زکریا را یاد کن آن هنگام که پروردگار خویش را ندا داد، پروردگارا مرا تنها مگذار که تو از همه بازماندگان بهتری در جای دیگر می فرماید: "هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً

طَبِيبَةً" (سوره آل عمران / ۳۸) در آنجا بود که زکریا، پروردگار خویش را خواند و عرض کرد: «خداوند! از طرف خود، فرزند پاکیزه‌ای (نیز) به من عطا فرما، که تو دعا را می‌شنوی. قرآن کریم از استجابت دعای حضرت زکریا برای طلب فرزند اینگونه یاد می‌کند: " فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيٰى " (سوره انبیاء / ۹۰)

پس دعا در طلب فرزند شایسته و نیکو یکی از ویژگی‌های بندگان خاص خدا است و نشان می‌دهد پدر و مادر برای داشتن فرزند صالح حتی قبل از تولد هم باید دعا کنند. از آیات فوق می‌توان برداشت کرد که:

اولاً داشتن فرزند سالم و صالح از آرزوهای هر زن و مرد است (سوره اعراف: ۱۸۹) و شکر و سپاس نعمت فرزند داشتن آن است که به درستی او را تربیت کرده و به جامعه هدیه کنند تا خود و جامعه از مواهب فرزند صالح آن بهره مند شوند. (سوره اعراف / ۱۸۹ و ۱۹۰) ثانیاً درخواست فرزند و نسل پاک، سنت و روش انبیاست و ارزش ذریه و فرزندان، به پاکی آنهاست (قرائنی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۵۵) و اینکه خود فرزند عطیه الهی است: « وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيٰى » (همان، ج ۷، ۴۹۲)

اولاد، ادامه دهنده راه والدین

از فواید فرزندآوری و تکثیر اولاد -در صورتی که صالح باشند و متناسب با دستورات دینی تربیت شوند- این است که ادامه دهنده راه والدین، به ویژه پدر خواهند بود. (سلیمانی فر، ۱۳۹۴)

طبق برخی آیات (سوره صافات / ۱۰۰) نخستین تقاضای حضرت ابراهیم از خدا، فرزند صالحی بود که بتواند خط رسالت او را تداوم بخشد و برنامه‌های نیمه تمامش را به پایان برساند اینجا بود که عرض کرد:

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ (سوره صافات / ۱۰۰)؛ پروردگارا! به من از صالحان [فرزندان صالح] ببخش!

قابل توجه اینکه یک جا ابراهیم خودش تقاضا می‌کند که در زمره صالحان باشد، چنان که قرآن از قول او نقل می‌کند: رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ: " پروردگارا! به من علم و دانش مرحمت فرما، و مرا به صالحان ملحق کن " (سوره شعراء / ۸۳) و در اینجا

تقاضا می‌کند که فرزندان صالح به من مرحمت فرما، چرا که صالح وصفی است جامع که تمام شایستگی‌های یک انسان کامل در آن جمع است. خداوند نیز این دعا را مستجاب کرد، و فرزندان صالحی همچون "اسماعیل" و "اسحاق" به او مرحمت فرمود، چنان که در آیات بعد همین سوره می‌خوانیم: "وَبَشِّرْنَا بِإِسْحاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ" ما او را بشارت دادیم به تولد اسحاق پیامبری از صالحان و در مورد اسماعیل می‌گوید:

"وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ"، و اسماعیل و ادريس و ذا الكفل را به یاد آور که همه از صابران بودند، و ما آنها را در رحمت خود وارد کردیم چرا که از صالحان بودند (سوره انبیاء / ۸۶ و ۸۵). مکارم شیرازی ۱۳۷۴. ج ۱۹، ۱۰۴.

هم چنین دعای حضرت زکریا که در قسمت قبل مورد بحث قرار گرفت این مضمون را تأیید میکند. حضرت زکریا آرزوی داشتن فرزندی را دارند که صالح باشد و راه ایشان را ادامه دهد. (سوره آل عمران / ۳۸) در واقع فرزند صالح، بهترین یاور در مسیر حرکت خانواده به سوی خداست (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ۴۹). درخواستی که در آیات از جانب این پیامبران مطرح می‌شود خود نشان دهنده عظمت و فضیلت وجود فرزندان صالح در زندگی انسان است که چگونه پیامبران الهی آن را از خداوند به کرات درخواست می‌کنند. از طرفی استفاده آیات از لفظ بشارت برای فرزند دار شدن این پیامبران، نشان از اهمیت این موضوع است همانطور که مشهود است در این آیات فرزند صالحی که ادامه دهنده راه پدر و مادر باشند، آرزوی پیامبران الهی شمرده شده است.

فرزند صالح، مایه چشم روشنی عباد الرحمان

داشتن فرزند صالح دارای چنان ارزشی است که انسان برای داشتن آن باید همواره دست به دعا باشد و از درگاه خداوند درخواست نماید تا فرزندان صالح و سالم به او ببخشد (سوره های اعراف، ۱۸۹ و احقاف، ۱۵). در آیه ۷۴ سوره فرقان در وصف عباد الرحمن تصریح شده که بندگان خدا در دعای خویش می‌گویند:

"وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ"، آنان که می‌گویند: ای

پروردگار ما! همسر و فرزندانمان را نور چشم ما قرار بده.

این تعبیر (نور چشم) رمز کمال و سعادت است، چرا که همسر و فرزند نیک موجب آرامش و سعادت انسان شده و روح و روان انسان را شاد نموده و باعث روشنی چشم خواهد شد.

به عبارت روشن‌تر، همسر و فرزندان شایسته، به زندگی انسان نور و صفا می‌بخشند و باعث آبرو و روسفیدی و سر بلندی در دنیا و آخرت می‌گردند.

علاوه بر آن، فرزند صالح و سالم، از مصادیق باقیات صالحات است (فرقان؛ ۳ و ۷۴) و پاداش کارهایی شایسته‌ای که فرزند صالح انجام می‌دهد برای والدین او نیز نوشته می‌شود و از خدمات نیک او، والدین هم سود می‌برند. جامعه سالم نیز نیازمند فرزندان سالم و صالحی است که در خانواده‌های صالح و سالم رشد می‌کنند.

فرزندآوری و ازدیاد جمعیت از دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام)

از روایات متعددی که در ابواب نکاح و تزویج وارد شده است استفاده می‌شود که اسلام نسبت به تکثیر ولد تأکید دارد و تکثیر نسل به عنوان یکی از مستحبات اکیده مطرح است.

این روایات را از حیث مضمون و تعبیر به چند گروه می‌توانیم تقسیم نماییم:

گروه اول: روایاتی که دلالت بر این دارد که کثرت اولاد مسلمین موجب افتخار رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در قیامت است:

الف) حدیث دوم از باب اول ابواب مقدمات نکاح در وسائل الشیعه جلد ۲۰ صفحه ۱۴، صدوق به سند خودش از علی بن رئاب که سند صحیحی است و او از محمد بن مسلم نقل می‌کند که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «إن رسول الله (صلی الله علیه وآله) قال: تزوجوا فانی مکاتر بکم الامم غداً فی یوم القیامة.»

ب) امام صادق (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه وآله): «اکثروا الولد اکثر بکم الامم غداً؛ اولاد و فرزندان را زیاد کنید چرا که روز قیامت با کثرت امت خودم بر سایر امم مواجه می‌باشم.

گروه دوم: روایاتی که ترغیب بر طلب اولاد دارد مانند:

امیر المومنین (علیه السلام) در حدیث اربعمأه فرمود که پیامبر (صلی الله علیه وآله) همیشه می فرمود: من کان ان یتبع سنتی فان من سنتی التزویج و اطلبوا الولد فانی مکاتر بکم الامم غدأ (حرعاملی، ۱۳۶۲: ج ۱۵، ۲۰) در این روایت توصیه بر طلب ولد شده و ظاهر آن نیز کثرت است.

گروه سوم: برخی از روایات دلالت دارد که مستحب است انسان با زنی که ولود است ازدواج کند و ولود صیغه مبالغه است به معنای آن است که زیاد فرزند به دنیا آورد:

امام باقر (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل فرمود: تزوجوا بکراً ولوداً و لاتزوجوا حسناء جمیله عاقراً فانی مباهی بکم الامم یوم القیامه. (حرعاملی، ۱۳۶۲: ج ۵۴، ۲۰) با زنی با کره و ولود ازدواج کنید و با زنی که زیبا است اما عقیم است ازدواج نکنید.

گروه چهارم: برخی روایات دلالت بر ترغیب ازدواج با زن های غیر جمیل دارد (حرعاملی، ۱۳۶۲: ج ۵۳، ۲۰) و علت آن را این چنین ذکر نموده است که چنین زن هایی هستند که از نظر تولید فرزند می توانند فرزندان بیشتری تولید نمایند:

امام صادق (علیه السلام) به مردی که از نداشتن فرزند شکایت داشت، فرمود: هنگامی که به عراق رفتی در آن جا ازدواج کن و اگر زن از نظر جمال و ظاهر مناسب هم نباشد باز با او ازدواج کن زیرا "فانهن اکثر اولاداً این ها از حیث اولاد اکثر هستند". (حرعاملی، ۱۳۶۲: ج ۵۵، ۲۰)

گروه پنجم: در برخی از روایات می فرمایند: از ویژگی ها و صفاتی که مناسب است در زن ها برای ازدواج وجود داشته باشد آن است که ربیع مربع باشند: امام صادق (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نقل فرمود: النساء اربع... وربیع مربع (حرعاملی، ۱۳۶۲: ج ۳۱، ۲۰). مقصود زنی است که هم زمان با اینکه بچه ای را در دامن دارد و مشغول تربیت اوست بچه ای نیز در شکم داشته باشد و حامله باشد.

گروه ششم: از برخی روایات استفاده می شود، همانطوری که ازدواج موجب کثرت رزق است، تکثیر در اولاد هم در سنت خداوند تبارک و تعالی چنین اثری را به دنبال دارد.

گروه هفتم: در برخی روایات یکی از اهداف تکثیر اولاد را این معنی قرار داده است که هر انسانی با گفتن لا اله الا الله زمین را سنگین تر می کند: امام باقر (علیه السلام) از پیامبر

اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند ما یمنع المومن ان یتخذ اهلاً؟ لعل الله یرزقه... تنقل الارض بلا اله الا الله (حر عاملی، ۱۳۶۲: ج ۱۴، ۲۰) پیامبر فرمود: چه چیزی مومن را منع می‌کند از اینکه همسری اختیار کند در حالیکه خداوند ممکن است فرزندی به او دهد که زمین را با گفتن لا اله الا الله سنگین می‌کند بنابراین در مساله تکثیر اولاد باید به این جهات دینی و معنوی هم توجه داشت.

مبانی و مستندات عدم جواز سیاست کنترلی و تحدیدی

گفته شد که برخی با سیاست کنترلی و تحدیدی در زمینه جمعیت مخالف بوده و از لحاظ دینی و شرعی آن را جایز نمی‌دانند. بر اساس این انگاره سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران از سال‌های دهه شصت تا اوایل دهه ۹۰ فاقد مجوز شرعی بوده است. این گروه برای اندیشه خود به ادله و مستندات تمسک کرده یا امکان دارد تمسک کنند که ما به بررسی این ادله و مستندات می‌پردازیم.

الف) آیات قرآنی

۱. برخی از گزاره‌های قرآنی، خداوند را روزی دهنده معرفی کرده و از کشتن فرزندان به خاطر ترس از فقر نهی کرده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا» (سوره اسراء ۳۱). در این دیدگاه، تحدید نسل نوعی قتل فرزند است که بر اساس این گزاره قرآنی از آن نهی شده است.

۲. گزاره‌های قرآنی مربوط به حرمت قتل نفس از جمله ادله‌ای هستند که بر ناروا بودن سیاست‌های جمعیتی تحدیدی دلالت دارند؛ چرا که تحدید نسل به نوعی قتل فرزندان است: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (سوره مائده/ ۳۲) «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (سوره اسراء/ ۳۳)

۳. بر خلاف اندیشه و انگاره‌ای که محدودیت منابع را مجوز سیاست‌های کنترلی و تحدید نسل می‌دانست، برخی از گزاره‌های قرآنی، خداوند را روزی دهنده همه موجودات دانسته و روزی همه جانداران را تضمین کرده است: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (سوره هود/ ۶)، «وَكَايُنْ مِنْ دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (سوره عنکبوت/ ۶۰). بر این اساس، برخی از

مفسرین نیز تأکید می‌کنند که بشر نباید برای رزق و روزی خود دغدغه‌ای داشته باشد و به سبب آن از نسل خود بکاهد (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۳، ص ۱۶۴)

ب) روایات اهلبیت (علیهم السلام)

از جمله ادله‌ای که مخالفان سیاست‌های کنترلی و تحدیدی جمعیت به آن استناد کرده‌اند، روایات است. برخی از این روایات بر اهتمام به ازدواج و فرزندآوری تأکید کرده و ترک ازدواج را تقیح کرده‌اند: کُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فَقَالَ: «إِنَّ خَيْرَ نَسَائِكُمُ الْوَلُودُ الْوَدُودُ الْعَفِيفَةُ الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا الذَّلِيلَةَ مَعَ بَعْلِهَا الْمَتَبَرِّجَةَ مَعَ زَوْجِهَا الْحِصَانَ عَلِيَّ غَيْرِهِ الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَتَطِيعُ أَمْرَهُ وَإِذَا خَلَا بِهَا بَدَلْتَ لَهَا مَا يَرِيدُ مِنْهَا وَ لَمْ تَبْذُلْ كِتْبَدْلَ الرَّجُلِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ۳۲۴). «تَزَوَّجُوا فَإِنِّي مَكَاثِرٌ بِكُمْ الْأُمَمِ غَدًا فِي الْقِيَامَةِ» (صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ۳۸۳). «فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) كَثِيرًا مَا كَانَ يَقُولُ مَنْ كَانَ يَحِبُّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِيجَ وَاطْلُبُوا الْوَلَدَ فَإِنِّي أَكَاثِرٌ بِكُمْ الْأُمَمِ غَدًا...» (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ۶۱۰). «رِذَالُ مَوْتَاكُمُ الْعَزَابُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ۳۲۹)

برخی دیگر نیز تشویق به ازدواج با زنان فرزندآور کرده، زنان نازا و ازدواج با آنان را مذمت کرده‌اند: «تَزَوَّجُوا بَكْرًا وَلُودًا وَ لَا تَزَوَّجُوا حَسَنَاءَ جَمِيلَةَ عَاقِرًا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (همان، ص ۳۳۳). «أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِشَرِّ نَسَائِكُمُ الذَّلِيلَةَ فِي أَهْلِهَا الْعَزِيزَةَ مَعَ بَعْلِهَا الْعَقِيمِ الْحَقُودِ» (همان، ص ۳۲۵). «الشَّؤْمُ فِي ثَلَاثٍ: فِي الْمَرْأَةِ وَالذَّائِبَةِ وَالدَّارِ فَأَمَّا شَوْمُ الْمَرْأَةِ فَكَثْرَةُ مَهْرِهَا وَ عَقْمُ رَحْمَتِهَا» (همان، ص ۵۶۷)، «وَ لِحَصِيرٍ فِي نَاحِيَةِ الْبَيْتِ خَيْرٌ مِنْ امْرَأَةٍ لَا تَلِدُ» (صدوق، ۱۳۷۶: ۵۵۲). چنانچه برخی از روایات نیز بر تکثیر نسل تأکید می‌کنند: «أَكْثَرُوا الْوَلَدَ أَكَاثِرٌ بِكُمْ الْأُمَمِ غَدًا» (کلینی، ۱۴۱۷ق: ج ۶، ۲)

نتیجه‌گیری

در این مقاله به مفاهیم افزایش و ازدیاد جمعیت و باروری و ناباروری و ازدیاد جمعیت که از مقوله‌های مهم علم جمعیت محسوب می‌شوند پرداخته شد و در این میان، نظرات و دیدگاه‌ها نسبت به هریک در قرآن کریم و روایات بررسی گردید.

افزایش جمعیت مورد توجه دین مبین اسلام بوده و تمام انبیاء (علیهم السلام) و سفیران الهی به این امر اهتمام کامل داشته و مردم جامعه خود را تشویق و ترغیب به توالد

و تناسل می‌کردند. از مجموع آیات و روایات به دست می‌آید که دین مبین اسلام "قرآن کریم و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)" نسبت به تکثیر اولاد در همه زمان‌ها اهتمام داشته‌اند و این چنین نبوده که این اهتمام مختص به زمانی است که مسلمانان در قلت بوده باشند. زیرا تعبیر وارده در این روایات به عنوان یک قضیه حقیقه و به عنوان یک سیاست دائمی و همیشگی دین مطرح است.

در قرآن مواردی از پیام خداوند مبنی بر اینکه زیاد شوید و زمین را پر سازید به چشم نمی‌خورد و خداوند در قرآن به صراحت درباره تکثیر نسل سخن نگفته، ولی از بعضی آیات که به ازدواج و آمیزش جنسی اشاره کرده‌اند می‌توان ضرورت ایجاد نسل و فرزند آوری را بیان داشت. از جمله موارد اثبات مطلوبیت فرزند و فطری بودن آن، در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که این مهم را تأیید می‌کنند، مانند آیاتی که بیانگر دعا‌های انبیای الهی در مورد درخواست از خداوند متعال مبنی بر خواستن فرزند می‌باشد. در ذیل به برخی از این آیات اشاره می‌شود.

در قرآن کریم اصل وجود فرزند به عنوان نعمت الهی، (سوره نحل / ۷۲) متاع دنیا، (سوره آل عمران / ۱۴) زینت زندگی، (سوره کهف / ۴۶) یاری رساننده به پدر و مادر، (سوره اسراء / ۶) مطرح گردیده است و داشتن فرزند صالح به عنوان آرزوی پیامبران الهی (سوره آل عمران / ۳۸) نور چشم بندگان خاص خدا (سوره فرقان / ۷۴) و سبب بشارت خداوند (سوره های هود / ۷۱ و حجر / ۵۳-۵۱) بیان شده است

در پایان ذکر این نکته ضروری می‌رسد که نظرات مطرح شده در قرآن و روایات بر رشد جمعیت متناسب تأکید دارد. از منظری دیگر اگر چه قرآن و روایات، مساله تکثیر نفوس را ارجمند میدانند اما بطور مستقیم و روشن بر وضعیت و کیفیت جمعیت اشاره دارد. به سخن دیگر به افزایش جمعیتی صالح، نیکوکار و با تقوا تأکید شده است تا افزایش بی حد و حصر جمعیت.

نظر مراجع عظام در رابطه با کنترل جمعیت

به علت پیچیدگی‌های بسیار در صدور احکام فقهی و نیز پویایی فقه جعفری، آراء گوناگونی توسط مراجع در این باب صادر شده است. عده ای کنترل جمعیت را نادرست

و عده ای بنابر شرایط و اقتضائات اجتماعی با رعایت حدودی آن را جایز می‌شمارند.

چند نمونه استفتاء از مراجع عظام تقلید

سوال: نظر حضرت تعالی در مورد فرزندآوری و ازدیاد جمعیت چیست؟

۱- امام خمینی (سلام الله علیه): "راجع به موالید، تابع آن است که حکومت چه تصمیمی بگیرد."

۲- آیت الله العظمی امام خامنه ای (مدظله العالی): در دین مقدس اسلام فرزندآوری و ازدیاد جمعیت مسلمانان امری مستحب شمرده شده است. از منظر متون دینی، فرزند شایسته، نعمتی از نعمت‌های الهی و گلی از گل‌های بهشت است [امام صادق (علیه السلام) فرمود: «إن الولد الصالح، ریحانه من ریاحین الجنة» فرزند صالح، گلی از گل‌های بهشت است. (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۶، ۳) علاوه بر این، مایه زینت زندگی (سوره کهف، آیه ۴۶) و یار و مددکار انسان (سوره های اسراء، آیه ۶ و سوره نوح، آیه ۱۲؛ حر عاملی، ۱۳۷۴: ج ۲۱، ۳۵۶) می‌باشد، یادگار و جانشین پدر و مادر (همان، ص ۳۵۷) در دنیاست و استغفارگویی و اعمال نیک او سبب آموزش و نیک‌بختی والدین در حیات اخروی (همان، ج ۲۱، ۳۵۹؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق: ج ۳، ۳۰۹) می‌شود. وجود این مقدار تأکید و ترغیب، کافی است تا انگیزه تولید نسل و داشتن فرزند را در انسان تقویت کند. از سوی دیگر، در ادله و متون دینی، نسبت به تکثیر نسل و کثرت موالید، تأکید، سفارش و ترغیب شده است که به یکی از آن‌ها اشاره می‌شود: امام صادق (علیه السلام) از قول رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نقل نموده اند که آن حضرت فرمود: «اکثروا الولد، أکثر بکم الأمم غداً». (کلینی، همان) فرزندان خود را زیاد کنید تا فردا به واسطه (کثرت) شما بر دیگر امم افتخار نمایم. البته ذکر این نکته لازم است که هرکس باید بسته به وسع و توان مالی خود اقدام به فرزندآوری کند تا به عسر و حرج دچار نشود. جمعیت زیاد در یک مدیریت کارآمد اقتصادی یک فرصت بی نظیر است هرچند کاهش سطح زاد و ولد و باروری بر میزان رشد جمعیت و از آن طریق تعدیل شتاب افزایش تعداد جمعیت تاثیر گذاشت، اما نکته‌ای که

دست‌اندرکاران از آن غفلت کردند این نکته بود که سیاست‌های کنترل جمعیت بر ترکیب و ساختار جمعیت نیز تأثیرگذار است. به این معنا که سیاست کاهش مستمر زاد و ولد و انتقال از باروری طبیعی به باروری کنترل شده، به تدریج ساختار سنی جمعیت ایران را از وضعیت جوانی خارج و به طرف سالخوردگی سوق خواهد داد. در مورد سقط جنین که حتماً می‌دانید شرعاً گناه دارد و دیه هم لازم است. لذا اسلام به هیچ وجه این عمل را جایز نمی‌داند. قرآن به کسانی که از ترس فقر فرزندشان را میکشند فرمود: *ولا تقتلوا اولادکم خشیه املاق نحن نرزقهم و ایاکم ان قتلهم کان خطا کبیرا*. (سوره اسراء/ ۳۱)

۳- آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته): نظر به اینکه شریعت اسلام ترغیب کننده به فزونی نسل مسلمانان و انتشار آن است و تحدید نسل و جلوگیری از آبستنی مخالف فطرت انسانی و شریعت اسلامی می‌باشد و نظر به اینکه هدف جلوگیری از افزایش جمعیت مسلمانان نیرنگی برای کاهش دادن نیروی انسانی و تقویت سلطه استعمارگران بر کشورهای اسلامی و بهره برداری بیشتر از ثروت های آنان است و نیز نظر به اینکه جلوگیری از نسل نوعی عمل جاهلی و بدگمانی نسبت به خدای متعال است، جایز نیست.

۴- آیت الله محمد جواد فاضل لنکرانی (دامت برکاته): بر حسب آیات قرآن کریم و روایات متعدده و معتبر، تکثیر اولاد در میان مسلمانان امری است مستحب و به آن سفارش فراوان شده است.

۵- مجلس مجمع فقهی به اتفاق آراء مقرر می‌دارد: تحدید نسل مطلقاً جایز نیست و جلوگیری از آبستنی در صورتی که انگیزه آن ترس از کمبود باشد و همچنین دعوت و الزام به تحدید نسل و جلوگیری از آبستنی به طور کلی شرعاً حرام است. اگر چه راه‌های زیادی برای پیشگیری از حمل و انعقاد نطفه وجود دارد، ولی برخی از مخالفان تحدید نسل، تمامی این راه‌ها را مضر به حال زن و مرد دانسته و می‌گویند اینها اکثراً باعث عقیم شدن دائمی زن و مرد می‌شود و در اسلام به حکم عقل و شرع، هر چیزی که برای انسان ضرر معتابه و یقینی داشته

باشد، حرام است. در نتیجه تحدید نسل و پیشگیری از حمل از این راه ها نیز حرام است (حسینی تهرانی، ۱۴۱۵.ق:۴۰).

پیشنهادات

۱. اجرایی و عملی نمودن تدابیر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در مورد جمعیت کشور با برنامه ریزی و ارائه راهکارهای مناسب.
۲. دادن هشدار و بیان تهدیدات ناشی از قلت جمعیت و پیر شدن تدریجی آن و در نتیجه ضعف اقتدار و چشم طمع جهانخواران به کشور در برنامه های فرهنگی، اجتماعی و تبلیغی.
۳. تبیین برکات نعمت فرزندان و ازدیاد نسل در خانواده و گنجاندن آن در منابع درسی مراکز آموزشی.
۴. توجیه و تشویق آحاد جامعه به ویژه جوانان و زوجهای جوان به فرزندآوری و اعطاء مزایا.
۵. تبدیل مسئله به گفتمان عمومی و انعکاس آن در کلیه رسانه ها اعم از دیداری، شنیداری و نوشتاری.
۶. بهره گیری از خطبا و سخنرانان در تجمعات دینی - فرهنگی (نماز جمعه و جماعت، مناظر، تریبونهاو...) با بیان آسیب ها، تهدیدات و نتایج مثبت فرزندآوری و ازدیاد جمعیت .

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه: آیت الله العظمی مکارم شیرازی.
- امام خمینی (سلام الله علیه) (۱۳۷۵)، *صحیفه نور*، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران.
- امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، *بیانات معظم له قابل دسترسی در سایت: www.khamenei.ir*
- اشرفی، عباس، (۱۳۸۵)، *عبادات در ادیان ابراهیمی*، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، *تسنیم*، ویرایش: سعید بند علی، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ اول.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۴)، *وسائل الشیعه*، موسسه آل البيت، قم.
- حسینی تهرانی، سید محمد حسین (۱۴۱۵ ه.ق)، رساله نکاحیه (کاهش جمعیت ضربه ای سهمگین بر پیکر مسلمین)، تهران، انتشارات حکمت.
- سلیمانفر، ندا (۱۳۹۴)، *مجموعه مقالات همایش ملی قرآن و مسئله سبک زندگی*، دانشگاه تفرش.
- شهبازیان، کیومرث، فلاحیان، فتانه (۱۳۸۵)، *درسنامه جمعیت و تنظیم خانواده*، چاپ اول، نشر آبیژ، تهران.
- شیخی، محمد تقی (۱۳۷۹)، *جمعیت و تنظیم خانواده*، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- فاضل لنکرانی، محمد جواد (۱۳۹۰)، *مباحث خارج فقه در تاریخ ۲۷/۴/۱۳۹۰، قابل دسترسی در سایت معظم له*.
- صادقی، رسول (۱۳۸۸)، *جمعیت و توسعه: ابعاد و چالش ها*، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیت آسیا و اقیانوسیه.
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، (۱۴۱۳ ه.ق)، *من لایحضره*



الفقیه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ه.ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، دفترانتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم.
- عباسی شوازی، محمدجلال، حسینی چاوشی، میمنت (۱۳۹۰)، **تحولات باروری**، تنظیم خانواده و سیاست های جمعیتی در ایران
- رازی، فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ه.ق)، **مفاتیح الغیب**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، **تفسیر نور**، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران، چاپ یازدهم.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷)، **تفسیر احسن الحدیث**، بنیاد بعثت، تهران، چاپ سوم.
- کتابی، احمد (۱۳۷۷)، **درآمدی بر اندیشه و نظریه های جمعیت شناسی**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ چهارم، تهران.
- کلانتری، صمد و ستار صادقی ده چشمه (۱۳۸۵)، **برآورد و مقایسه چند شاخص جمعیتی در ایران و برخی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه**
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵)، **فروع کافی**، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ه.ق)، **بحار الانوار**، دار احیاء التراث العربی، بیروت
- مراغی، احمد بن مصطفی (۱۳۸۵)، **تفسیر المرائی**، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ اول.

- **مقالات**
- کیانی، رضا (۱۳۸۹)، *بررسی مفهوم باروری از دیدگاه قرآن کریم*، فصلنامه جمعیت، شماره ۷۳ و ۷۴، صص ۱۲۶-۱۱۷، پاییز و زمستان
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۷)، *اخلاق و عرفان*، ماهنامه معرفت، سال هفدهم، شماره ۱۲۵، اردیبهشت ماه
- اجلال، زهرا، نگاه اسلام به کنترل نسل یا تکثیر آن! بخش اخلاق و عرفان اسلامی نشر در سایت تبیان.

Archive of SID

